

خوانشی تاریخی از زیارت وارث

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری*

اشاره

زیارت وارث جایگاه ویژه‌ای نزد شیعیان دارد و آثار متعددی درباره آن تدوین شده است. این نوشتار در پی خوانشی تاریخی از این زیارت است؛ بدین معنا که واژه‌ها و مفاهیم کلیدی مرتبط با تاریخ اسلام را از آن استخراج و رخداد مرتبط با آن را تبیین می‌کند. برخی واژه‌های این زیارت را می‌توان در ارتباط وثیقی با رخداد‌های تاریخ اسلام دانست. انتساب امام حسین علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و وراثت آن حضرت، جریان مباحله، رخداد‌های پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و رخداد عاشورا از وقایعی هستند که در این زیارت می‌توان کلماتی یافت که بدان‌ها اشاره دارند؛ همچنین کدهایی درباره شرافت نسب و اهداف قیام آن حضرت و سرانجام دشمنان ایشان در این زیارت دیده می‌شود.

مقدمه

زیارت وارث یکی از یادگارهای امام صادق علیه السلام است که جایگاه ویژه‌ای نزد شیعه دارد و در زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور و نزدیک مورد توجه قرار دارد؛ از این‌رو توجه بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران را به خود معطوف داشته است و ابعاد مختلف آن را کاویده‌اند و شرح‌های متعددی بر آن نوشته شده است. با این وجود، این زیارت کمتر با نگاه تاریخی بررسی شده و شاید بتوان گفت نکته مفقود در این آثار، کم‌توجهی به نگاه تاریخی به‌ویژه تاریخ اهل بیت علیهم السلام در این زیارت است. اینکه امام صادق علیه السلام در این زیارت در پی تبیین تاریخ اهل بیت علیهم السلام بوده است یا خیر، نکته مهمی است که نمی‌توان درباره آن با قطع سخن گفت؛ اما با توجه به قسمت‌های مختلف زیارت وارث و واژه‌های به‌کاررفته در آن می‌توان گوشه‌هایی از

* دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام را از آن به دست آورد؛ از این‌رو شاید بتوان برخی قسمت‌ها یا واژه‌های آن را با عنوان اشاره به تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام کدگذاری کرد. جریان مباحله، برخی رخدادهای بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، رخداد عاشورا و اهداف قیام امام حسین علیه‌السلام از نکاتی هستند که می‌توان کلماتی از زیارت وارث را ناظر به آن دانست. به‌کاربردن کلمه وارث به‌ویژه وارث محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و نیز فرزند آن حضرت با عبارت «یابن محمد المصطفی» و نیز ادامه آن با عبارت «یابن امیرالمؤمنین» تا «یابن خدیجه الکبری» کدهای ویژه‌ای هستند که یادآور برخی رخدادهای مهم تاریخ اسلام هستند. ادامه زیارت نیز با «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ» و درنهایت عبارت «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِدَلِّكَ فَرَضِيَّتْ بِهِ» مخاطب را به گوشه‌ای از تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام رهنمون می‌کنند.

پیشینه

اگرچه آثار فراوانی درباره زیارت وارث تدوین شده است، نوشتاری که دربردارنده نگاه تاریخی به زیارت وارث باشد، یافت نشد. تفسیر زیارت وارث (فلسفه زیارت) اثر سیدمرتضی حسینی اصفهانی، نگاهی تفسیری به زیارت وارث دارد و مطالب فراوانی درباره ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام آورده است؛ اما با آنچه در این نوشتار بدان پرداخته شده، متفاوت است. جنة الحوادث فی شرح زیارة وارث نوشته مولی حبیب الله شریف کاشانی با تحقیق نزار الحسن منتشر شده است و بندهای مختلف زیارت وارث را شرح کرده است؛ اما در این کتاب نیز نگاه تاریخی کمتر دیده می‌شود.

مفهوم‌شناسی

زیارت وارث: زیارتی است از امام صادق علیه‌السلام که در آن امام حسین علیه‌السلام با عنوان وارث پیامبران از حضرت آدم تا حضرت خاتم خطاب قرار گرفته است. خوانش تاریخی: منظور از این اصطلاح آن است که نویسنده می‌کوشد کلمات به‌کاررفته در زیارت را با نگاهی تاریخی بازخوانی کند و از آنها به عنوان کدهایی برای تبیین تاریخی آن بهره گیرد.

۱. وراثت

یکی از مهم‌ترین نکات و شاید مهم‌ترین و کلیدی‌ترین واژه در این زیارت، کلمه «وارث» است

که نام زیارت را به خود اختصاص داده است. این نکته زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که از امام حسین علیه السلام با عنوان وارث حضرت محمد صلی الله علیه و آله یاد می‌کند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ». این عبارت ناخودآگاه یاد جریان مهمی در تاریخ اهل بیت علیهم السلام را در ذهن آدمی زنده می‌کند؛ آنجا که دختر رسول خدا را به بهانه روایتی ساختگی از ارث پدر محروم کردند. روایتی که خود راوی و معجری آن بودند: «نحن معاشر الأنبياء لانورث...»^۱. شاید بتوان سخن امام صادق علیه السلام که اتفاقاً بر وراثت امام حسین علیه السلام از انبیا سخن می‌گوید، در برابر این اندیشه دانست. این نکته با کلام بعدی که بر امام حسین علیه السلام با عنوان فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام می‌کند، تکمیل می‌شود که می‌فرماید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى».

بی‌تردید جامعه مسلمانان، حسنین علیهم السلام و فرزندان آنها را با عنوان فرزند رسول خدا می‌شناختند و با عنوان «ابن رسول الله» صدا می‌زدند؛ در حالی که امویان^۲ و به دنبال آنان عباسیان با نفی این نسبت می‌کوشیدند نسبت آنها با پیامبر صلی الله علیه و آله در جامعه نادیده گرفته شود و حتی ضمن انکار آن، به صراحت به ایشان در این باره اعتراض می‌کردند؛^۳ در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را با عبارت ابنی^۴ فرزند خود خواندند.

افزون بر این، نکته بسیار مهم درباره این نسبت، رخداد مباهله است که خداوند در قرآن کریم، حسنین علیهم السلام را فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند و آیه معروف مباهله به آن اشاره دارد: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»^۵. هرگاه بعد از علم و دانشی که [درباره مسیح] به تو رسیده، [باز] کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن‌گاه مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم». در جریان مباهله، هنگامی که مسیحیان نجران سخن

۱. اگرچه این روایت در میان اهل سنت طرفدارانی دارد، مخالف آیات قرآن (آیات ۱۱ و ۱۲ سوره نساء) و سیره نبوی است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند هر چه را مخالف قرآن بود، کنار بگذارید.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۵۵۰.

۳. ابومنصور احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۱۴۲.

۴. محمد بن محمد بن نعمان مفید، امالی، ص ۷۹؛ شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۱۱.

۵. آل عمران: ۶۱.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نپذیرفتند و آماده مباحله شدند و مقرر شد روز بعد با همراهان خود برای مباحله حاضر شوند، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همراه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام به محل مباحله رفتند. مسیحیان با دیدن شیوه رفتن و همراهان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مباحله خودداری کردند.^۱

منابع تاریخی در این باره اتفاق نظر دارند که همراهان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همین بزرگواران بودند؛ بنابراین واژه «ابنائنا» مصداقی غیر از حسین عَلَيْهِ السَّلَام در جریان مباحله نداشت؛ از این رو خداوند نسبت فرزندی را مهر تأیید می‌زند و کلام امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام با این آیه شریفه همخوانی دارد و این رخداد تاریخی مؤید آن است.

همچنین همراه کردن وراثت و بنوت (فرزندی) در این زیارت می‌تواند تقویت‌کننده مقابله با جریان منکران وراثت حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام باشد.

۲. لقب امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام

در ادامه زیارت، بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام با عنوان وارث امیرالمؤمنین سلام شده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام». گزارش‌های تاریخی و روایی نشان می‌دهند که لقب امیرالمؤمنین از طرف خداوند به امام علی عَلَيْهِ السَّلَام عطا شد^۲ و در زمان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هیچ‌کس به این لقب خوانده نمی‌شد. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «سلام کنید بر برادر و جانشین و وارث من در میان خویشانم و ولی همه مؤمنان بعد از من. بر او به عنوان امیرالمؤمنین سلام کنید؛ به‌راستی که او ولی همه کسانی است که در روی زمین ساکن می‌شوند تا روز قیامت».^۳

در روایتی دیگر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روزی بر فراز منبر فرمود: «خداوند مرا به عنوان پیامبر فرستاده و فرمان داده تا علی را امیر بر شما بگمارم و به شما اعلام کنم تا از او اطاعت کنید». رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ادامه تأکید کردند: «هیچ‌کدام از شما بر او امیر نیستید و او امیر شماست؛ چون خدا او را امیرالمؤمنین نامیده است و پیش از او و پس از او هیچ‌کس امیرالمؤمنین نخواهد بود».^۴ اگرچه دیگران سخن پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نادیده گرفتند و آن لقب را بر خود بستند، اما در تراز آنان

۱. احمد بن ابی‌عقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۲-۸۳؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۰۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۲۴.

۳. شاذان قمی، الروضه فی فضائل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۱۲۲؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ص ۱۵۴.

۴. همان.

نبود و تنها زیننده فاتح خیبر است.

نکته مهم آن است که صحابه پیامبر ﷺ و امامان شیعه نیز به این نکته پایبند بودند و بدان عمل می کردند؛ چنان که از ابوذر غفاری درباره وصیتش پرسیدند، گفت به امیرمؤمنان وصیت کرده ام. گفتند: عثمان؛ گفت خیر، به علی بن ابی طالب که حقیقتاً امیرالمؤمنین است.^۱ شخصی بر امام صادق علیه السلام با عنوان امیرالمؤمنین سلام کرد، امام او را از این اقدام نهی کردند و فرمودند: «این لقب جز برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام شایسته نیست».^۲ از این رو امام صادق علیه السلام با همین عنوان بر آن حضرت سلام می کند و به نوعی انحصار لقب را یادآور شده اند و به تصویر کشیده اند. «السلام عليك يا وارث امير المؤمنين عليه السلام» می تواند اشاره به این باشد که این لقب اختصاصی وصی رسول الله، حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام است.

۳. شرافت نسب

امام صادق علیه السلام در قسمتی از زیارت وارث می گوید: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُزْتَصَّى السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى». این بند اشاره به شرافت نسب و نجابت پدران و مادران (اجداد) امام حسین علیه السلام دارد و این همان چیزی است که ائمه علیهم السلام بدان افتخار می کردند و از همه مهم تر آنکه رسول خدا نیز این نکته را درباره حسنین علیه السلام برای اصحاب خود بیان کرده است. از ابن عباس گزارش شده است که پیامبر خطاب به برخی اصحابش فرمود: «آیا به شما خبر دهم از کسی که جد و جده او از همه برترند؟» گفتند آری یا رسول الله. فرمود: «حسن و حسین که جد آنها رسول خدا و جده آنها خدیجه علیها السلام است»؛ در ادامه پدر و مادر آنها (امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام) را بهترین و نیز عمو و عمه آنها (جعفر و ام هانی) را بهترین عمو و عمه و دایی و خاله آنها (قاسم و زینب) را بهترین دایی و خاله معرفی نموده و جایگاه همه این افراد را در بهشت معرفی کردند.^۳ رخداد تاریخی مهمی که به این نکته اشاره دارد، سخن امام زین العابدین علیه السلام در مجلس یزید است که با افتخار آن را بیان کردند و فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمَنِي أَنَا ابْنُ زَمْزَمَ وَالصَّافَا أَنَا ابْنُ مَنْ حَمَلَ الرُّكْنَ بِأَطْرَافِ الرَّدَا
أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِّنْ أَشْتَرَزَ وَأَزْدَى أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِّنْ أَتَّعَلَ وَاحْتَفَى أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِّنْ طَافَ وَ

۱. محمد بن محمد بن نعمان مفید، ارشاد، ج ۱، ص ۴۷؛ علی بن موسی سید بن طاووس، الیقین، ص ۱۶.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ص ۳۳۱.

۳. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۵۴۸.

سَعَى أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مَنْ حَجَّ وَلَبَّى أَنَا ابْنُ مَنْ حُمِلَ عَلَى الْبُرَاقِ فِي الْهَوَاءِ أَنَا ابْنُ مَنْ أُسْرِيَ بِهِ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى أَنَا ابْنُ مَنْ بَلَغَ بِهِ جَبْرِئِيلُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنتَهَى أَنَا ابْنُ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى أَنَا ابْنُ مَنْ صَلَّى بِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ أَنَا ابْنُ مَنْ أَوْحَى إِلَيْهِ الْجَبَلِيلُ مَا أَوْحَى أَنَا ابْنُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الْمُزْتَضَى... ثُمَّ قَالَ أَنَا ابْنُ فَاطِمَةَ الرَّهْمَاءِ أَنَا ابْنُ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ^۱

ای مردم، من فرزند مکه و منایم، من فرزند زمزم و صفایم، من فرزند کسی هستم که حجرالاسود را با ردای خود حمل و در جای خود نصب فرمود، من فرزند بهترین طواف و سعی‌کنندگانم، من فرزند بهترین حج‌کنندگان و تلبیه‌گویان هستم، من فرزند آنم که بر براق سوار شد، من فرزند پیامبری هستم که در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سیر کرد، من فرزند آنم که جبرئیل او را به سدره‌المنتهی برد و به مقام قرب ربوبی و نزدیک‌ترین جایگاه مقام باری تعالی رسید، من فرزند آنم که با ملائکه آسمان نماز گزارد، من فرزند آن پیامبرم که پروردگار بزرگ به او وحی کرد، من فرزند محمد مصطفی و علی مرتضایم... آن‌گاه گفت: من فرزند فاطمه زهرا بانوی بانوان جهانم.

شاید بتوان گفت این قسمت از کلام امام صادق علیه السلام قسمتی از رخدادهای کربلا و به طور مشخص حضور اهل بیت علیهم السلام در شام و مجلس یزید را یادآوری می‌کند.

۴. رخداد عاشورا

یکی از مهم‌ترین قسمت‌های زیارت وارث، اشاره به رخداد عاشورا و قیام حضرت امام حسین علیه السلام است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ». این فراز به کلام امام حسین علیه السلام هنگام خروج از مدینه اشاره دارد که می‌فرماید: «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي» و نیز می‌تواند یادآور نماز امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا^۲ باشد.

کلام امام صادق علیه السلام در زیارت وارث در برخی قسمت‌ها یادآور رخداد عاشورا و وقایع پس از آن است. در فرازی که می‌فرماید: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ»، می‌توان نماز امام حسین علیه السلام

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۸.

۲. عبدالرزاق موسوی مقرر، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۲۴۵.

را درظهر عاشورا دید؛ هنگامی که یکی از یارانش وقت نماز را یادآور شد، برای او دعا کرد که خداوند او را از نمازگزاران قرار دهد و همراه یاران خویش به نماز ایستاد.

فراز «وَأَمُوتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَهَيَّتَ عَنِ الْمُنْكَرِ»، یادآور کلام امام حسین علیه السلام در آغاز نهضت خود است که فرمود: «انی لم اخرج اشراً ولا بطراً و... انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی و اریدان آمر بالمعرف و انهی عن المنکر»؛ درواقع امام صادق علیه السلام با این جمله، هدف قیام امام حسین علیه السلام را از زبان خود یک بار دیگر تبیین می کند.

آنجا که می فرماید: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ»، افزون بر نفرین قاتلان امام حسین علیه السلام، کلام امام حسین علیه السلام به برخی افراد مانند عبیدالله بن حر جعفی را یادآور می شود که او را توصیه کرد از آن سرزمین فاصله بگیرند تا صدای امام را نشوند و نفرین امام او را در برنگیرد. امام فرمودند: «اگر ما را یاری نمی کنی، پس از خدا بترس و مبادا که با دشمنان ما باشی؛ هرکس صدای ما را بشنود و ما را یاری نکند، هلاک می شود».^۱

کتاب نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، تصحیح: علی اکبر غفاری، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، [بی تا].
۲. ابن شاذان قمی، شاذان بن جبریل، الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، محقق: علی شکرچی، قم: مکتبه الامین، ۱۳۸۱ ش.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، تصحیح: محمدحسین آشتیانی و هاشم رسولی، ج ۱، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین فی اختصاص مولانا بایمة المؤمنین، تصحیح: محمدباقر انصاری و محمدصادق انصاری، بیروت: مؤسسة الثقلین لاحیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۳۳ ق.
۶. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۳۸۰ ش.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۵، ص ۴۰۷.

التراث، ١٤١٧ ق.

٨. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ٢، قاهره: دار المعارف، ١٩٦٨ م.

٩. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ٢، بیروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ق.

١٠. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، ١٤١٣ ق.

١١. _____، امالی، تصحیح: حسین استادولی و علی اکبر غفاری، ج ١، قم: کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ ق.

١٢. موسوی مقرر، سید عبدالرزاق، مقتل الحسین عليه السلام، بیروت: مؤسسة الخرسان للطبوعات، ١٤٢٦ ق.

١٣. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، ١٤١٥ ق.